

برساخت هویت فرهنگی - بومی در بستر نسل‌ها؛ پژوهشی کیفی در میان سه نسل از شهروندان شهر بندرعباس

آزیتا پورطریق*

یاسر رستگار**، سعید معیدفر***

چکیده

با توجه به روندهای توسعه، تکثر فرهنگ‌ها و رشد مدرنیزاسیون شهری، هویت فرهنگی - بومی از شکل اولیه آن فاصله گرفته و در حال تغییر است؛ از طرفی این مسئله در میان نسل‌های مختلف و در شهرهای مهاجرپذیر، شکلی ویژه به خود می‌گیرد. پژوهش حاضر به شیوه‌های برساخت هویت فرهنگی - بومی در میان شهروندان بومی بندرعباس می‌پردازد. روش به کار رفته، کیفی و داده‌های مورد نیاز با بکارگیری مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته با ۲۸ نفر از مردان و زنان ۲۰ تا ۶۵ ساله گردآوری شده است. یافته‌ها نشان از تفاوت‌های نسلی در برساخت هویت بومی و مواجهه با آن دارد؛ بدین ترتیب که گروه سنی بالای ۵۰ سال مبتنی بر نوعی "انسجام و مقاومت" و گروه سنی ۳۱-۵۰ سال مبتنی بر "همراهی و پذیرش" با عناصر فرهنگی، هویت فرهنگی - بومی خود را برساخت کرده و در نهایت گروه سنی ۲۰-۳۰ سال از "هویت‌های دوگانه و نامنسجم" برخوردار بوده اند. در حقیقت

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
azita.pourtorogh@gmail.com

** استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.
(نویسنده مسئول)، yaser.rastegar62@gmail.com

*** استاد جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
smoidfar@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

نسل اول (بالای ۵۰ سال) از هویت فرهنگی بومی یکدست و منسجمی برخوردار بوده و در برابر هویت یابی جدید، مقاومت می‌کند. گروه دوم (۳۱-۵۰ سال)، عناصری از دو هویت بومی و غیربومی را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و در نهایت نسل جوانتر (۲۰-۳۰ سال)، هویت فرهنگی خود را به شکلی نامنجم و دوگانه، بر ساخت کرده است.

کلیدواژه‌ها: هویت فرهنگی، هویت بومی، بر ساخت هویت، تفاوت نسلی، بندرعباس

۱. مقدمه و طرح مساله

هویت یک حضور سازمان‌دهنده قدرتمند در زندگی و واقعیتی اجتماعی و از ابعاد بنیادین وجود بشر است. مفهوم هویت، بودن و تعلق به گروه اجتماعی (قومی، ملی، مذهبی، نژادی، بومی، جنسی و...) است که آنرا به یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های جهان معاصر تبدیل کرده است (Leve, 2012: 514). هویت به عنوان بخشی از خودپنداره افراد که ما را با یک رفتار بین‌گروهی روبه‌رو می‌سازد (Tajfel, 1982: 1). بر کیفیت بسیاری از رفتارهای کنشگران و عواملان انسانی اثرگذار بوده و دارای ابعاد متعددی است که یکی از مهمترین ابعاد آن "هویت قومی" است (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۲).

هویت قومی که از طرق مختلف از جمله نحوه قرارگیری افراد در زمینه‌های مختلف فرهنگی و میزان ارزش‌گذاری آن‌ها برای گروه قومی خود مفهوم‌سازی شده (Dimitrova & et al., 2013: 2) در سطحی پایین‌تر از هویت ملی قرار دارد و با مفاهیمی چون "گروه قومی" و "قومیت" درهم تنیدگی دارد (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۳). بنابراین فرد و جامعه، تاریخ و سرگذشتی دارند که بازاندیشی آن برای تعیین و تثبیت هویت و ادامه حیات اجتناب‌ناپذیر است. از این‌رو، ساختارهای تاریخی خاص موجب پیدایش انواع هویتی می‌شوند که در موارد فردی قابل تشخیص‌اند (برگر و لاکمن، ۱۳۸۷: ۲۳۶). بومیان سرزمین به واسطه تعلقات فرهنگی و سرزمینی، هویت جمعی را تصویرسازی می‌کنند که آنها و افراد بومی دیگر را بهم نزدیک می‌کند. گروه‌های سنی مختلف با توجه به شرایط اجتماعی مختلف عناصر هویتی را به گونه‌ای متفاوت از دیگر گروه‌های سنی، درک و تعریف می‌کنند.

از نگاه جامعه‌شناختی، نسل‌ها از نظر اجتماعی ساخته می‌شوند. آنان تغییرات و وقایع اجتماعی-تاریخی خاصی را تجربه می‌کنند و شاهد تبلور و شکل‌گیری هویت نسلی خود هستند. مفهوم هویت را به‌عنوان یک پیوستار نسلی تصور می‌کنیم که از نسلی به نسل دیگر

برساخت هویت فرهنگی - بومی در بستر ... (آزیتا پورطرق و دیگران) ۳

منتقل نمی‌شود، اما برای هر نسلی بر اساس زمینه اجتماعی - تاریخی و میراث نسل‌های گذشته بازسازی می‌شود (Constantin, 2013: 7). سرزمین ایران زیستگاه گروه‌های قومی گوناگونی بوده است. قومیت‌های مختلف، رفتار، عقاید، باورها و عناصر هویت‌ساز متفاوتی داشته‌اند که در میان اعضای آن قوم رواج داشته و باعث انسجام یک گروه قومی بوده است. همزمان با توسعه جوامع و توسعه تکنولوژی سرعت تغییرات اجتماعی بالا رفته است و افراد در بستری چند فرهنگی و چندهویتی قرار گرفته‌اند. در نتیجه شناخت موضع و دیدگاه اقوام ایرانی زمینه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت ایجاد و ارتقاء تعلق‌خاطر و افزایش همبستگی ملی می‌شود.

«از نظر جامعه‌شناسی، احساس تعلق به عضویت در گروه‌ها یا نظامها دلالت دارد» (فیض‌اللهی، ۱۴۰۰: ۸). حس تعلق به مکان به معنی درک ذهنی افراد از محیط و احساساتی است که نسبتاً آگاهانه از محیط درک می‌کنند. شخص در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌گیرد و تجارب او در بستر محیط معنا می‌یابد و با محیط پیوند می‌خورد که زمینه دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۲). می‌توان گفت احساس تعلق، حسی فراتر از آگاهی استقرار در یک مکان است، در واقع فرد خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجاربش از نشانه‌ها، معانی از مکان در ذهن خود متصور می‌سازد (معروفی و انصاری، ۱۳۹۳: ۴۲).

بی‌گمان هویت داشتن در درجه‌ی نخست به معنای خاص و متمایزبود و به جمع تعلق داشتن است. مکان و فضا مهمترین عواملی هستند که این نیازهای هویتی انسان را تامین می‌کنند. مکان و سرزمین نه تنها با ممکن کردن مرزهای عینی به واسطه‌ی ویژگی‌های جغرافیایی، بلکه با تقویت مرزهای اجتماعی و فرهنگی، هویت‌سازی را آسانتر می‌کند و با انسجام و همبستگی که ایجاد می‌کند، احساس تعلق به جمع را ممکن می‌سازد (گل‌محمدی، ۱۳۸۳: ۲۳۰-۲۳۱). علاوه بر فضا (زمان و مکان)، فرهنگ نیز می‌تواند منبعی برای ایجاد تمایزبخشی در جامعه باشد. بویژه وقتی از فرهنگ سخن به میان می‌آید، سبک زندگی برآمده از دل فرهنگ، هویت‌آفرین بوده و الگوهای از عناصر مختلفی در کنار یکدیگر ایجاد می‌کند که به میانجی آن، افراد هویت‌یابی می‌کنند (Tomlinson, 1999).

در گذشته، به دلیل اینکه زندگی اجتماعی واجد ساحت‌ها و عرصه‌های مشخص و محدود و به عبارتی دیگر به شدت مکان‌مند و سرزمین‌محور بود لذا، فرهنگ نیز کارویژه‌ی

هویت‌سازی خود را به بهترین شکل انجام می‌داد اما با ورود به دنیای معاصر و امتزاج و تداخل فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های متنوع و سیالیت مفهوم مکان، زمان و فضا، هویت یابی فرهنگی نیز پیچیده‌تر شده است. لذا فهم هویت فرهنگی در زمانه‌ی معاصر و شیوه‌های برساخت آن توسط شهروندان و کنشگران، ضرورتی بیش از پیش یافته است.

از سوی دیگر اگرچه تدقیق و تحدید هویت بومی از هویت قومی به دلیل درهم تیندگی بسیار، چندان شفاف و روشن نیست اما می‌توان گفت هویت قومی یا احساس تعلق به عناصر هویتی یک قومیت را می‌توان به عنوان یک خرده فرهنگ مشخص شناسایی کرد اما هویت بومی اگر چه ممکن است وجه خرده فرهنگی نیز داشته باشد اما مکان‌مندی و احساس تعلق به سرزمین مشخص، وجه غالبتری در آن دارد. از این حیث هویت قومی مفهومی وسیع‌تر تلقی می‌شود و در ادبیات نظری و مطالعات متعدد نیز، اصطلاح هویت قومی به کار برده شده و مفهومی جاافتاده در این حوزه است.

شهر بندرعباس به عنوان مرکز استان هرمزگان دارای خصیلتی مهاجرپذیر بوده و از ترکیب منحصر به فردی برخوردار است. تکثر قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و تقابل هویت‌های فرهنگی مختلف را می‌توان به عنوان عامل خطری جهت آسیب‌پذیری انسجام و همبستگی بین‌گروهی در نظر گرفت. روابط بومیان بندرعباس با غیربومیها، موضوع دیگر درک متفاوت نسل‌های مختلف از هویت بومی یا همان هویت بندری (بندرعباسی) و عناصر برسازنده‌ی آن است که بخشی از آن حاصل درک و تفسیری است که افراد هر نسل از خلال زیست روزمره با مهاجران و غیربومیان ساکن در شهر داشته‌اند (رستگار و هادی، ۱۳۹۹). درواقع مردمان بومی این شهر، به میانجی گذشته‌ی تاریخی و فرهنگی خود، زیست روزمره، سبک زندگی، تعاملات با مهاجران و... درک و برداشتی از بندری یا بندرعباسی بودن دارند که پژوهش حاضر، تلاش دارد آنها را احصاء و صورتبندی کند. از این رو پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که شهروندان بومی شهر بندرعباس در نسل‌های مختلف، هویت بومی خود را چگونه ادراک کرده و مبتنی بر چه عناصر و مفاهیمی آن را برای خود می‌سازند؟

۲. پیشینه پژوهش

رستگار و هادی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان هویت بومی در برابر هویت غیربومی؛ پژوهشی کیفی درباره ناسازگاری‌های هویتی در شهر بندرعباس به این نتیجه رسیدند که درک ساکنان بومی شهر بندرعباس از ساکنان غیربومی، امری ذاتی نیست بلکه مبتنی بر تجربه‌ی زیسته‌ی کنشگران و تعاملات اجتماعی آنها با یکدیگر شکل گرفته است. طالبی و علیزاده (۱۳۹۸) با بررسی اقلیتهای ترک و کرد دریافته‌اند دو محور زبان و مذهب اصلی‌ترین مضمون از منظر نابرابری و تبعیض قومی است. عیوضی و همکاران (۱۳۹۷) مفاهیم جهان رسانه‌ای، جهان واقعی و هویت را در کنار الگویی متکثر از هویت‌طلبی قومی دیده‌اند. نادری و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی تحول گفتمان‌های هویت قومی در بلوچستان ایران چهار دسته گفتمانی را یافته‌اند. دسته‌ای دیگر از تحقیقات مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای، هویت سنی یا قومی را بررسی کرده‌اند: حاجیانی و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی هویت قومی در ایران و لبنان، دریافته‌اند متغیرهای جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح دانشجویان ایرانی با هویت قومی آنها رابطه مثبت دارد. اله‌دادی و همکاران (۱۳۹۴) مشاهده کرده‌اند سبک زندگی مدرن به شکل مستقیم $0/21$ - بر هویت قومی تاثیر منفی می‌گذارد. باقری و همکاران (۱۳۹۱) دریافته‌اند هویت قومی شهروندان شهر اهواز تحت تاثیر جهانی شدن و استفاده از فناوریهای اطلاعاتی تضعیف شده و یک فرهنگ جهانی در حال شکل‌گیری است. پژوهشهای خارجی هویت قومی را دسته بندی چندبعدی کرده‌اند. دسته‌ای به بررسی مفهوم هویت قومی و زمینه‌های اثرگذار آن پرداخته‌اند. هولت و همکاران (Holt & et al.) (۲۰۱۷) بر این باورند که تاثیرات سن بر هویت قومی را نژاد تعدیل می‌کند. اپستین و هیزلر کوهن (Epstein & Heizler Cohen) (۲۰۱۵) نتیجه گرفته‌اند سطح پایین تحصیلات در کشور اصلی وابستگی شدیدتری به جامعه مبدأ ایجاد می‌کند اما تحصیلات دانشگاهی نتیجه عکس می‌دهد. دسته‌ای دیگر مستقیماً به بررسی یک گروه قومی خاص و تجربه‌ی آنان پرداخته است. هلسوم و کومن (Heelsum & Koomen) (۲۰۱۶) با بررسی روند شکل‌گیری هویت قومی بین دو نسل اول و دوم مراکشی‌ها دریافته‌اند نسل دوم کمتر تحت تأثیر عناصر هویتی است. واشتر (Waechter) (۲۰۱۵) با بررسی هویت اروپایی در پنج گروه اقلیت قومی در سه نسل درمی‌یابد نسل جوان، به دلیل تجارب شخصی مثبت‌تر، احساس هویت اروپایی بیشتری نسبت به نسل‌های قدیمی‌تر دارد. بتون

و گومز (Benton & Gomez) (۲۰۱۴) با مفاهیم "قومیت‌های جدید"، "سیالیت فرهنگی" و هویت‌های "جدید" و "چندگانه" تحولات هویت قومی و ملی فرزندان مهاجران چینی را به تصویر می‌کشند. در دسته‌ای دیگر هویت قومی را در ارتباط با دوره‌های سنی و یا نسلی مورد بررسی قرار داده‌اند، واشتر و ساموئیلوا (Waechter & Samoilova) (۲۰۱۴) دریافتند درحالی‌که گروه‌های اقلیت جوان سطح قوی‌تری از هویت اروپایی را نسبت به بزرگسالان نشان می‌دهند، سطح هویت ملی و قومی آن‌ها به‌طور قابل توجهی پایین است. اوماناتیلور و همکاران (Umana Taylor & at el.) (۲۰۱۴) دریافتند برای اینکه هویت قومی و نژادی یک فرد سازگار باشد، هویت باید متناسب با زمینه‌های اجتماعی، شخصی و فرهنگی فرد باشد.

از بین مطالعات انجام گرفته، عمده‌ی پژوهشها به روش کمی بوده و تنها چند پژوهش کیفی از منظر افراد و گروه‌های قومی این پدیده را واکاوی نموده‌اند.

در تحقیقات انجام شده عموماً اقلیتی قومی را در نظر گرفته و عناصر هویت ساز آن گروه را مورد توجه قرار داده‌اند؛ بنابراین در غالب تحقیقات از هویت قومی نام برده‌اند. در این پژوهش هویت بومی بعنوان هویتی که در بین ساکنان یک گروه قومی که در جغرافیای مشخصی ساکن هستند، در نظر گرفته شده است، در نتیجه عناصر مشترکی میان دو هویت بومی و قومی وجود دارد. علاوه بر آن این تحقیق با در نظر گرفتن سه گروه نسلی در پی بررسی و درک و تفسیر افراد از هویت بومی در طول زمان و در رویارویی با عناصر هویتی مختلف می‌باشد.

۳. تمهیدات نظری و مفهومی

هویت اجتماعی مبتنی بر این باور است که فرد به گروه خاصی تعلق دارد، عقاید، ارزش‌ها و احساسات مشترکی را با سایر اعضای گروه تقسیم می‌کند و تفاوت فاحشی با سایر گروه‌های اجتماعی دارد (Korostelina, 2014: 216). شفرز معتقد است به همه افرادی که در یک مجموعه اجتماعی زندگی می‌کنند و دارای ارزشهای همسان بوده تصوری مشابه از زندگی دارند و از نظر سنی در محدوده مشخص، از گروه سنی جوان‌تر و مسن‌تر از خود متمایز هستند، نسل می‌گویند (شفرز، ۱۳۸۳: ۲۷). مفهوم تفاوت نسلی، تفاوت بین گروه‌های سنی در سلاط، ارتباطات و نمادها و سبک زندگی با نسل‌های گذشته را بیان می‌کند. هر نسل با توجه به درک و فهمی که از موقعیت پیرامونی خود دارد، هویتی مستقل

برساخت هویت فرهنگی - بومی در بستر ... (آزیتا پورطرق و دیگران) ۷

می‌یابد و در عین حال به دلیل حضور هم زمان نسلها، رابطه تعاملی پیدا می‌کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۳۹).

رویکرد کهن‌گرایی (به انگلیسی: Primordialism) در زمینه قومیت باور به وجود نوعی ارتباط میان قومیت و خویشاوندی و نیز روابط قومی-عاطفی میان مردمی که اجداد مشترک و گاه سرنوشت مشترک این جهانی برای خود متصورند، دارد (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

تام نیرن (Tom Naim) از نظریه‌پردازان دیدگاه‌های نوگرایی درباره قومیت، سرمایه‌داری را عامل اصلی تحولات می‌داند و مدعی است صنعتی‌شدن برای برخی جمعیت‌ها که تحت تأثیر پیامدهای آن قرار گرفته‌اند، منشاء تحولات می‌گردد. ناسیونالیسم همزاد اجتناب‌ناپذیر صنعتی‌شدن نیست، بلکه حاصل توسعه نامتوازن است. پس از صنعتی‌شدن کشورهای پیرامون شکاف آنان با مرکز بیشتر می‌شود؛ در این حالت نخبگان پیرامونی خواهان ترقی کشورشان بدون دخالت مستقیم کشورهای مرکز می‌شوند و به این منظور به ناسیونالیسم روی می‌آورند و هویت جداگانه تاریخی برای خود خلق می‌کنند (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

کارل مانهایم (Karl Mannheim) با نظریه "ساختاری-تاریخی" معتقد است پیدایش نسل اجتماعی، با تغییر اجتماعی و سرعت آن مرتبط است. در شرایطی که تغییرات کند و آهسته است، اساساً یک نسل مجزا و تازه ظاهر نمی‌شود بلکه فقط هنگامی که در جایی حوادثی زیاد و سریع رخ دهد به‌طوریکه یک گروه نسلی با آگاهی تاریخی - اجتماعی خود متمایز شوند، از یک نسل می‌توان سخن گفت (Scott & Shoman, 1995: 395). نظریه "تحول ارزش" رونالد اینگلهارت (Ronald Inglehart) «درخصوص دگرگونی ارزش‌ها، پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابه‌جایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی می‌انجامد». او معتقد است «جابه‌جایی جمعیت از نسلی به نسل دیگر به‌همراه خود یک سری تغییرات و دگرگونی‌هایی را خواه‌ناخواه به‌همراه دارد» (فرزانه و چراتی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

قومیت فرایندی اجتماعی است که به واسطه‌ی آن افراد با یک گروه و ابعاد فرهنگی آن گروه پیوند یافته و هویت می‌یابند. قومیت امری ادراکی و ذهنی نیز هست به این معنا که اگرچه عناصر عینی فرهنگی، مواد لازم برای ساخت آن را فراهم می‌سازند اما این وجوه عینی به خودی خود هویت ساز نیست بلکه تفسیر و ادراک کنشگران از پارامترهای عینی

فرهنگ که در بستری تعاملی با سایر افراد شکل می‌گیرد، شرط کافی برای برساخت هویت خواهد بود (Elter, 1999:8).

در ادبیات مرتبط با بحث قومیت سه رویکرد شناخته‌شده مرتبط با منازعات قومی و تعارضات هویتی شناخته شده است:

رویکرد نخست، تنش‌ها و تعارضات قومی و هویتی در میان اقوام و گروه‌ها را امری ذاتی و طبیعی ناشی از وجود اقوام می‌داند و آن را ناشی از تفاوت‌های طبیعی میان اقوام تلقی می‌کند. نظریه پردازانی چون آنتونی اسمیت از این رویکرد دفاع می‌کنند.

رویکرد دوم، قومیت را ابزاری می‌داند که نخبگان سیاسی و سیاستمداران برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خود از آن استفاده می‌کنند و لذا با تقویت هویت خودی در برابر هویت دیگری، در برابر تهاجم دیگران مقاومت می‌کنند.

رویکرد سوم رویکرد برساختگرایان است. ذیل این رویکرد، بر ماهیت اجتماعی، تعاملی و برساختی قومیت تاکید می‌شود. لذا از این منظر، قومیت و هویت قومی امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست بلکه از بستر کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی ساخته می‌شود لذا نه ذاتی و صرفاً فردی است. از این رو با دگردیسی در ساحت‌های اجتماعی، برساخت از قومیت و به عبارت دیگر ادراک از هویت قومی نیز دستخوش تغییر خواهد شد (Lake and Rothchild, 1998: 6). موضعی که پژوهش حاضر آن را به مثابه یک چارچوب مفهومی پذیرفته و تلاش داشته ذیل آن، کار میدانی را انجام دهد بر رویکردهای تفسیرگرایانه و برساختی از مفهوم قومیت استوار است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

استراتژی انجام پژوهش حاضر، تحلیل تماتیک است. محقق در تحلیل تماتیک با طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد، و از طریق کدگذاری و تحلیل داده‌ها الگوی داده‌ها را مشخص می‌کند (سفیری و شهرزاد ۱۳۹۵ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۶). تم‌ها جنبه‌های کلیدی در تحلیل کیفی محسوب می‌شوند. اصطلاح تحلیل تماتیک به فرایند تحلیل داده‌های کیفی براساس شباهت روابط و تمایز بین داده‌ها اشاره دارد (Gibson & Brown, 2009: 127). یکی از اهداف فرایند تحلیل داده‌ها شناسایی تم کلیدی از میان داده‌هاست. نشانه‌های تم‌های کلیدی در روایتهای، عبارات،

برساخت هویت فرهنگی- بومی در بستر ... (آزیتا پورطرق و دیگران) ۹

نمادها یا ایده‌هایی ظاهر می‌شوند که چندین بار در داده‌ها تکرار و دیده شده است (Murchison, 2010: 116). برای این کار داده‌ها نام‌گذاری، برچسب‌زنی و نشانه‌گذاری می‌شوند. ارتباط میان آنها کشف و با هم مقایسه و تحلیل می‌شوند و مفهوم‌سازی صورت می‌گیرد و از داده‌ها اکتشاف معنا می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۹۶: ۱۴۹-۱۵۰). انتخاب افراد برای مصاحبه، بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی بوده است و تلاش شد تا مصاحبه‌شوندگان از حیث ویژگیهای زمینه‌ای متفاوت از یکدیگر باشند.

جدول شماره ۱: سیمای مصاحبه‌شوندگان

ردیف	اسامی	جنس	سن	تحصیلات	شغل
۱	سمانه	زن	۳۱	لیسانس علوم تربیتی	مدیر پیش دبستانی
۲	مرجان	زن	۴۴	فوق لیسانس ریاضی	مدرس دانشگاه فرهنگیان
۳	سهیلا	زن	۴۶	دیپلم	خانه‌دار/ خیاطی لباس محلی
۴	فاطمه	زن	۵۷	دانشجوی دکتری	مدرس دانشگاه فرهنگیان
۵	مسعود	مرد	۶۳	فوق دیپلم	بازنشسته مخابرات
۶	محمد	مرد	۲۸	فوق لیسانس معماری	دفتر فنی مهندسی
۷	صدیقه	زن	۵۳	لیسانس	مسئول امور خیریه
۸	نرجس	زن	۵۵	لیسانس مدیریت	کارشناس آب منطقه‌ای
۹	لیلا	زن	۵۶	دیپلم	معلم بازنشسته
۱۰	مرضیه	زن	۴۸	سینکل	خانه‌دار
۱۱	فریبا	زن	۵۲	دانشجوی دکتری زبان انگلیسی	مدرس دانشگاه
۱۲	طلیعه	زن	۴۸	دیپلم	معلم ابتدایی
۱۳	امیر	مرد	۲۶	مهندسی شیمی	کارمند شرکت گاز
۱۴	همت الله	مرد	۳۳	لیسانس	مهندس تاسیسات
۱۵	امین	مرد	۲۱	دانشجو مهندسی برق	دانشجو
۱۶	پریا	زن	۲۰		شاغل در مغازه
۱۷	فریبرز	مرد	۴۸	دیپلم	کار آزاد
۱۸	زینب	زن	۴۷	دیپلم	خانه‌دار
۱۹	محمد علی	مرد	۶۲	لیسانس	هنرمند و دبیر
۲۰	معصومه	زن	۳۰	کارشناس ارشد پژوهش هنر	مدرس دانشگاه
۲۱	الهام	زن	۲۲	دانشجوی معماری	دانشجو
۲۲	مجید	مرد	۳۴	ارشد عمران	اداره برق
۲۳	مهرداد	مرد	۲۳	دانشجوی پزشکی	دانشجو

۲۴	پریمما	زن	۵۶	دیپلم	خانه دار
۲۵	بتول	زن	۶۰	پنجم ابتدایی	خانه دار
۲۶	انیس	زن	۲۶	ارشد برقی	دانشجو
۲۷	داریوش	مرد	۴۱	فوق دیپلم	کارمند دانشگاه
۲۸	مهرنوش	زن	۴۸	دکترا	معلم

در نهایت با توجه به اشباع نظری با ۲۸ نفر از افراد بومی ساکن بندرعباس، مصاحبه صورت گرفت. مصاحبه‌شوندگان ۱۸ زن و ۱۰ مرد در محدوده سنی ۲۰ تا ۶۳ سال دارای تحصیلات پنجم ابتدایی تا دکتری، دارای مشاغل خیاط، دانشجو، معلم، کارمند، شغل آزاد، خانه‌دار و بازنشسته بودند. داده‌های حاصل از مصاحبه مکتوب سازی شده، سپس کدگذاری سه مرحله‌ای به روش گیبسون و براون روی آن صورت گرفته است.

۵. یافته های پژوهش

برساخت هویت فرهنگی بومی در نزد سه گروه سنی در ۸ مولفه‌ی محیط، غذا، رسوم و باورها، زبان، پوشش، موسیقی، خانواده و ارتباطات انجام گرفته است که در هر نسل متفاوت از سایر نسلها معنا می‌شود. بنابراین همزمان که مولفه‌های سنتی سبب ساخت هویت فرهنگی در نزد این گروه‌های سنی می‌شود، نوعی افتراق هویتی بین نسلهای دیگر را نیز به وجود می‌آورد.

جدول شماره ۲: عناصر هویت‌یابی بومی و موانع آن؛ گروه سنی بالای ۵۰ سال

مقوله هسته	مقولات عمده	مفاهیم اولیه	عناصر هویتی
انسجام و مقاومت	سبب‌های هویت فرهنگی سنتی در مولفه های	وجود دریا و محیط شهری بومی؛ دکور ساده و بومی	محیط
		خوردن غذاهای سنتی بندر؛ حفظ مدل سنتی مصرف غذای بندری؛ جذابیت غذاهای بومی برای غیربومیان	غذا
		مراسم عروسی ساده؛ مراسم عزاداری با سنت بندری	رسوم و باورها
		گویش بندری بچه‌ها؛ حفظ واژه‌های اصیل بندری؛ احساس بومی بودن با گویش بندری؛ اهمیت گویش	زبان
		معرفی موسیقی بندر؛ گوش کردن و نواختن موسیقی بندر	موسیقی
		پدر و مادر بندری داشتن؛ وصلت با بندری	خانواده

		پوشیدن لباس بندری؛ پوشیدن لباس بندری مانند بقیه؛ علاقه غیربومیها تبه لباس بندری؛ علاقه به لباس بندری؛ یادگیری دوخ لباس بندری؛ ماندگاری لباس بندری	پوشش
بررسی سبک زندگی و سبک زندگی		حضور غیربومی؛ مشکلات ازدواج با غیربومی؛ وجود فرهنگهای مختلف در بندر	موانع هویت یابی
		فارسی صحبت کردن؛ نیاز به تغییر لباس بندری؛ کمرنگ شدن عناصر سنتی	

۱.۵ برساخت هویت نسل بالای ۵۰ سال: انسجام درونی و مقاومت بیرونی

گروه نسلی بالای ۵۰ سال هویت منسجمتری دارند چرا که کمتر در معرض تغییرات قرار گرفته و بیشتر توانسته‌اند عناصر فرهنگی را در شکل سنتی‌اش مصرف کنند، و چون جزء اولین گروه‌هایی هستند که تغییرات را در سطح کم مشاهده کرده‌اند، در مقابل آن موضع گرفته و مقاومت در پذیرش آن داشته‌اند و بیشتر سعی در حفظ فرهنگ در شکل سنتی‌اش داشته‌اند و هویت فرهنگیشان را در مصرف بیشتر عناصر سنتی فرهنگ بومی تعریف کرده‌اند. عناصر جدید را نه به عنوان زمینه‌ای برای تحول فرهنگ بلکه زمینه‌ای برای به حاشیه رانده شدن فرهنگ سنتیشان می‌دیدند. عناصر جدید را در تقابل با عناصر سنتی معنا می‌کردند لذا چالشهایی برای پذیرش تغییرات داشته‌اند. این مقوله هسته از دو مقوله عمده «برساخت هویت فرهنگی مبتنی بر مولفه‌های سنت» و «برساخت هویت فرهنگی در تقابل با الگوهای غیربومی» برساخت شده است.

گرایش این گروه نسلی آن است تا مولفه‌های فرهنگی را در شکل هر چه سنتی‌تر و اصیلتر خود مصرف کنند. شیوه‌ای که آنها، زندگی جمعی و هویت فردی و گروهی را معنا می‌کنند با مرزبندی سنت صورت می‌گیرد و منجر به ناهمسانی یا تمایز بین آنها با دیگر نسلها می‌شود.

زندگی گروه نسلی بالای ۵۰ سال، ارتباط بیشتری با محیط طبیعی آنجا داشته، تغذیه و امرار معاش از طریق دریا یا نخلستان بوده، صنایع دستی را با عناصر بومی منطقه درست می‌کردند؛ این نسل ارتباط معنایی دیگری با محیط جغرافیایی بندر برقرار کرده‌اند. خواستار این بودند که نمادهایی بومی در محیط شهری بکار رود. نقاشی‌های دیواری یا مجسمه‌های میدانی شهری نشانگر یک شهر بندری باشد تا افراد دیگری که به این شهر می‌آیند، شهر

بندری را متفاوت از دیگر شهرها ببینند. حفظ هویت بومی در این نسل فقط محدود به محیط بیرونی نمی‌شود بلکه صنایع دستی و عناصر بومی جزئی از بافت زندگیشان می‌باشد، و کمتر به سوی مصرف نمادهای مدرن می‌روند.

فاطمه ۵۷ ساله در مورد اهمیت المانهای بومی در شهرسازی می‌گوید: «در مرکز شهر و جاهای عمومی نمادها مهم هست. [برای] انسانهای عادی و معمولی ساختار شهری اثر داره» در خصوص چیدمان منزل می‌گوید: «دکوراسیون خانه همان کرسی‌هایی [است] که در یه سفری به فین داشتیم [خریدیم]، گل‌هایی با شاخه‌های خرما حتی در خونه ما هستن باز هم یادآور هویت بندر هستن، لذت می‌بریم». محمدعلی ۶۲ ساله هویت بومی را مرتبط با دریا می‌داند، می‌گوید: «ویژگی اقلیمی دریا به دلیل رزقی که میده، دریا خواهره، ما فرزند دریاییم».

غذا به علت گره خوردن به محیط جغرافیایی، عنصر هویتی برای این نسل است. برای گروه نسلی بالای ۵۰ سال همچنان غذاهای محلی در منوی غذای خانواده بصورت غالب و با همان طعم و طبخ سنتی مورد استفاده است، و غذاهای جدید و غیربومی را مورد استفاده قرار نمی‌دهند. یکی از دلایل افتخار افراد بالای ۵۰ سال این بود که این غذاهای بومی‌شان مورد استقبال غیربومیها بوده و مسافران حتی از تولیدات غذایی بندری را سوغاتی به شهرشان می‌برند.

پریم ۵۶ ساله در خصوص مصرف غذاهای بندری در همه جا می‌گوید: «چه در تهران و دیگر شهرها حتی خارج از کشور نیز همان غذاهای بندری را با حس و حال بندری می‌پزم تا حفظ بشه مثلا سوراغ و مهپاوه، میگو خشک را با خودمان می‌بریم. هواری میگو و ماهی و... درست میکنم» لیل ۵۶ ساله در خصوص اهمیت غذای بندری در معرفی فرهنگ بندری می‌گوید: «اگه غریبه خونه ما بیاد غذای بندری درست می‌کنیم که اونا هم با غذای بندری آشنا بشن و خوششون بیاد».

بندرعباس شهری است که سنتها در آن زنده است و برای نسل بالای ۵۰ سال جایگاه ویژه‌ای دارد. صدیقه ۵۳ ساله نسبت به تغییر در شیوه‌ی برگزاری مراسم عروسی ناراحت است می‌گوید: «بندری قدیم می‌دونه در بندر رسم جهیزیه نیست تا با هم خرید کنن لیست بگیرن و کار نمایشی انجام بدن و بنویسن در بندر زشت میدونیم». مسعود ۶۳ ساله

درخصوص علاقه‌اش به مراسمهای بندری می‌گوید: «در آیین‌های عزاداری سینه‌زنی بندری بیشتر می‌ریم چون حال می‌ده بیشتر لذت می‌بریم»

زبان یکی از شاخصهای فرهنگی-تاریخی است که افراد هویت بومی خود را با آن تعریف می‌کنند و به موجب آن خود را از دیگران متمایز می‌کنند. گویش بندری و کلمات اصیل آن هنوز در گفتگوهای روزمره مورد استفاده نسل بالای ۵۰ سال است.

لیلا ۵۶ ساله در خصوص حفظ و بکار بستن زبان بندری می‌گوید: «با بچه‌ها بندری حرف می‌زنم که یاد بگیرن، هرجایی برم اول بندری حرف می‌زنم اگه بندری نباشن دیگه فارسی صحبت می‌کنم». نرجس ۵۵ ساله در خصوص علاقه‌اش به زبان بندری می‌گوید: «در اداره وقتی میرم محل کار خودم با همکار یا ارباب رجوع اگر بندری باشه سعی میکنم بندری صحبت کنم».

در زنان و مردان گروه نسلی بالای ۵۰ سال پوشش بندری به شکل کاملاً سنتی آن مصرف می‌شود. با وجود اینکه تهیه لباسهای بومی، هزینه‌بر است اما این نسل حاضر است برای حفظ مولفه‌های فرهنگ بومی هزینه کند و پوشش بومی را نه یک پوشش نمادین که در برخی مجالس استفاده شود، بلکه جزئی از بافت زندگی روزمره نگه دارد، آنها نه تنها در خانه و مراسمهایشان بلکه در شهر و محیط بیرون از خانه نیز این لباسها را می‌پوشند.

فاطمه ۵۷ ساله در پاسخ به این سوال که پوشش غالبش چیست، می‌گوید: «پوششش بومی، حتی در تهران هم لباس بندری می‌پوشیدم برای اینکه نشون بدم بندریم» صدیقه ۵۳ ساله در مورد ماندگاری لباسهای سنتی می‌گوید: «برای لباس بندری هزینه می‌کنم ولی ماندگاری این لباس خیلی هست نه از مد میره نه کهنه میشه... این [لباس] دستکار مادرمه، دخترم دوفصله‌های شلوار از مادربزرگش یاد گرفته». مسعود ۶۳ ساله درخصوص اهمیت ازدواج با بومی برای حفظ هویت فرهنگی می‌گوید: «من بندری‌ام، عروس و دامادم و خانمم همگی بندی هستن افتخار می‌کنم به این قضیه»

۲.۵ موانع هویت یابی: تقابل با الگوهای غیر بومی

نسل بالای ۵۰ سال با توجه به شرایط زمانی و تغییرات نظام ارزشی جامعه، موانعی را در هویت‌یابی بومی خود تجربه کرده‌اند، بطوریکه گاهی افراد این نسل به علت وجود شرایط بیرونی نتوانسته‌اند هویت بومی خود را بیان کنند و فشار شرایط بیرونی را نیز احساس

کرده‌اند. از جمله شرایطی که بر جامعه سنتی بندرعباس تأثیر گذاشته است ورود عناصر جدید به بستر جامعه است. بخشی از این تغییرات حاصل حضور غیربومیها بوده است و بخشی حاصل تغییرات اجتماعی است که به تدریج فرهنگهای محلی را تحت تأثیر قرار داده‌است.

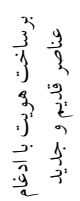
صدیقه ۶۳ ساله احساس می‌کند فارسی صحبت کردن در کنار بندری صحبت کردن موجب شده است که بچه‌ها هیچ کلام را به خوبی یاد نگیرند و در این باره می‌گوید: «حتی الان تو روستاها نگاه می‌کنی، در روستا لباس فرم دارن. بچه می‌خواست حرف بزنه زبان مادری خودشون را یاد می‌گیرن! فارسی هم درست یاد نمی‌گیرن! اکثر بچه‌ها خودشون هم از این نظر ناراحتن.

۳.۵ برساخت هویت در نسل ۳۱-۵۰ سال: همراهی و پذیرش

گروه نسلی ۳۱-۵۰ سال، در عین تجربه و زیست در بستر عناصر سنتی فرهنگ، عناصر فرهنگی جدیدی را نیز تجربه کرده‌اند.

جدول شماره ۳: عناصر هویت‌یابی بومی و موانع آن؛ گروه سنی ۳۱-۵۰ سال

عناصر	مفاهیم	مقولات عمده	مقوله هسته
محیط	جغرافیا نشان بندری بودن؛ استفاده از عناصر بومی در چیدمان منزل؛ استفاده دیگران از المانهای بندری	معماری فرهنگی تاریخی سنتی معماری فرهنگی تاریخی سنتی	معماری فرهنگی تاریخی سنتی
غذا	پختن غذاهای محلی در دورهمی خانوادگی؛ علاقه به خوردن غذاهای محلی؛ پختن غذاهای غیربومی در کنار غذای بومی؛ علاقه غیربومیها به غذای بندری		
رسوم و باورها	مراسم عروسی ساده؛ مراسم عزاداری با سنت بندری		
زبان	تاکید خانواده به بندری حرف زدن؛ بندری صحبت کردن در خانه؛ اول بندری حرف زدن بعد فارسی؛ یادگیری بندری بیرون از خانه؛ نشان دادن بندری بودن		
موسیقی	علاقه به موسیقی بندر؛ شرکت در مراسم موسیقی بندری		
خانواده و ارتباطات	ترجیح به ازدواج با بومی؛ داشتن پیشینه بندری؛ ترجیح به ارتباط با بومی		
پوشش	نشان دادن بندری بودن با پوشش محلی؛ پوشیدن لباس بندری		

		در خانه و مجالس؛ اجبار خانواده در پوشیدن لباس بندری؛ استفاده از طلاهای بندری؛ هزینه کردن برای لباس بندری؛ شیک بودن لباس بندری	
		مدرن شدن جامعه؛ نیاز به فارسی صحبت کردن؛ امکان ازدواج با غیربومی؛ نیاز به تغییر دادن لباس بندری؛	موانع هویت یابی
		هزینه بر بودن لباس بندری؛ پوشیدن لباس بندری در مکانهای عمومی	

گروه نسلی ۳۱-۵۰ ساله موضعی میانه نسبت به هویت فرهنگی سنتی و عناصر هویتی جدید دارد. این نسل حد وسط بین دو گروه نسلی قبل و بعد از خودش قرار دارد. به شدت و یکپارچگی گروه نسلی بالای ۵۰ سال عناصر فرهنگ بندری را مصرف نمی‌کند، ولی در ضمن عناصر فرهنگی جدید را انکار نمی‌کند. بلکه با وجود استفاده از عناصر فرهنگ سنتیشان در مواقعی که نیاز باشد تا عناصر جدید را استفاده کند آن را مورد استفاده قرار می‌دهند. ترجیحشان بر استفاده و حفظ فرهنگ سنتی است اما موضع‌گیری در قبال عناصر جدید نمی‌کنند. عناصر جدید را با این فرض که منجر به بروزرسانی فرهنگ سنتی می‌شوند می‌پذیرد و انگاره‌هایی که در تضاد با عناصر فرهنگ بندری قرار بگیرد را نمی‌تواند بپذیرد. موضع اصلی این نسل همراهی با عناصر سنتی و پذیرش عناصر جدید است. هویت بومی خود را با «مصرف عناصر بومی» و «ادغام عناصر قدیم و جدید»، برساخت می‌کنند.

نسل ۳۱-۵۰ ساله در تعامل بیشتری با گروه نسلی بالای ۵۰ سال قرار داشته است. برای این نسل نیز المانهای محیطی یادآور فرهنگ بندری است. فاکتورهای محیطی چون دریا، هوای شرجی، نخلستان وجود دارد که به واسطه‌ی آن احساس تعلق به محیط شکل می‌گیرد. نسل ۳۱-۵۰ ساله با بکارگیری عناصر محیطی در دکوراسیون منزل در واقع نمادهای هویتی که منجر به احساس تعلق به بندر می‌شود را مصرف می‌کند و بخشی از هویت بومی خود را از طریق ارتباط با محیط شکل می‌دهد.

مجید ۳۴ ساله در پاسخ به این سوال که چرا خودش را بندری می‌داند می‌گوید: «فاکتورهای مختلفی داره به نظر من جغرافیا هست که احساس تعلق ایجاد می‌کنه جایی که آدم اونجا بزرگ شده و خاطراتی داریم»

این نسل غذای محلی را در خانه درست می‌کنند و مورد مصرف قرار می‌دهند؛ با ورود غذاهای غیرمحلی، در مقابل ورود غذا به عنوان یک عنصر فرهنگی جدید موضع‌گیری نکرده و مصرف آن را در کنار غذاهای محلیشان پذیرفته‌اند، ولی همچنان در دورهمی‌ها و جمعهای خانوادگی، غذاهای محلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این روش هویت فرهنگی خود را در مناسبت‌ها حفظ و به نسل بعد معرفی کنند.

سمانه ۳۱ ساله از استفاده از غذاهای محلی در مناسبات مذهبی و خانوادگی می‌گوید: «ماه رمضان و زمستانا هر پنج شنبه خونه مامان میریم نون رگا یا توموشی می‌خوریم» مرضیه ۴۸ ساله می‌گوید: «غذاهای بندری خاص درست می‌کنم و خوشم میاد اما کنارش غذاهای دیگه هم درست می‌کنم منافاتی نداره باهم» همت الله ۳۳ ساله شرکت در جمع همشهریهای خودش برای اجرای مراسم را بهتر می‌داند و می‌گوید: «مراسم‌ها، آیین‌ها هم بیشتر هرچه شرکت کردیم بومی خودمون بوده بندری‌های خودمون بیشتر صاف و ساده هستن»

زبان و گویش معنای زیادی برای نسل ۳۱-۵۰ ساله دارد. ضمن پذیرش زبان فارسی، جایگاه استفاده آن را بعد از زبان محلی و گویش بندریشان تعریف کرده‌اند.

مهرنوش ۴۸ ساله می‌گوید: «در جلسات اداری و محافل رسمی نیز اگر همگی بندری باشند، بندری صحبت می‌کنم» مرجان ۴۴ ساله در پاسخ به این سوال که چرا به زبان بندری صحبت می‌کند می‌گوید: «برای اینکه نسبت به شهر خودم احساس تعلق کنم باید بتونم بندری صحبت کنم»

پوشش بخش مهمی از هویت نسل ۳۱-۵۰ سال را شکل می‌دهد چرا که نمود ظاهری دارد و از همان ابتدا معرف هویت بومی فرد می‌باشد. با وجودی که در اجتماعات رسمی مجبور به پوشیدن لباس غیربندری هستند اما در خانه و برنامه‌های سنتی لباس محلی خود را می‌پوشند.

مرجان ۴۴ ساله می‌گوید: «اگه بخوام بندری باشم باید بندری بپوشم. با پوشیدن لباس بندری بعضی وقتها میخوای نشون بدی بندر هستی» مهرنوش ۴۸ ساله در خصوص پوشش بندری می‌گوید: «نسبت به لباس و پوشش محلی هم هزینه می‌کنم حداقل در مراسم خانبدان و عروسی‌ها که می‌ریم سعی می‌کنیم که لباس محلی بپوشیم، در منزل همیشه پوشش بندری ندارم اما میهمان بیاید یا بریم جایی می‌پوشم».

برساخت هویت فرهنگی- بومی در بستر ... (آزیتا پورطرق و دیگران) ۱۷

نسل ۳۱-۵۰ ساله موسیقی بندری را به دلیل برقراری ارتباط ذهنی و حسی با آن، مصرف می‌کنند. موسیقی بندری با گذشته‌ی افراد در ارتباط است و با آن خاطرات زیادی دارند.

همت الله ۳۳ ساله در مورد شرکت در برنامه‌هایی با موسیقی محلی می‌گوید: «هم خودم و هم خانمم موسیقی بندری گوش میدیم حتی کنسرت‌های بندری می‌ریم چون بیشتر متوجه میشیم». زینب ۴۷ ساله تاکید به استفاده از موسیقی محلی بخصوص در اجرای آیینها دارد و می‌گوید: «در هر شرایط سنت خودمو حفظ می‌کنم، در ماشین آهنگ‌هایی که گوش میدیم اکثرا بندریه».

برای نسل ۳۱-۵۰ سال، پیشینه‌ی اجدادی و فامیلی نقش مهمی در تعیین هویت بومی‌شان دارد و آن را یکی از دلایل تمایز خود از غیربومیها برمی‌شمارند. ارتباطات به مصرف عناصر فرهنگی کمک می‌کند. مرجان ۴۴ ساله در مورد ترجیح ازدواج فرزندش می‌گوید: «اگر خواستگار برای دخترم بیاد اگر هر دو در یک موقعیت باشن اون‌ی که زبان آشنا هم فرهنگ خانواده‌اس انتخاب می‌کنیم، ما قبیله‌ای زندگی می‌کنیم» مجید ۳۴ ساله که بیشتر دوستانش بندری هستند می‌گوید: «بیشتر دوستان بندری بودن شاید قرابت فرهنگی موثر بوده اما برام بیشتر صداقت و مرام و اخلاق و تداوم مهمه».

۴.۵ موانع هویت یابی بومی: برساخت هویت با ادغام عناصر قدیم و جدید

همزمان با تغییرات اجتماعی و ورود عناصر جدید، ورود غیربومیها، فرهنگ محلی و سنتی بندرعباس دستخوش تغییر شده است. این عناصر در لایه‌های مختلف زندگی افراد ۳۱-۵۰ ساله وارد شد و این گروه موضع بینابینی در مصرف عناصر فرهنگی گرفتند؛ اگرچه علاقه‌مند به فرهنگ محلی و بومی خود بودند اما با توجه به تغییرات جامعه، پذیرفته‌اند در حوزه‌هایی فرهنگ مدرن غالب شده و سعی می‌کنند با تغییرات به گونه‌ای همراه شوند که فرهنگ بندری بصورت کامل حذف نشود. زیست چند فرهنگه نیز باعث شده دیگر فرهنگ بندری به شکل ثابت و سنتی‌اش باقی نماند.

مجید ۳۴ ساله از شباهت روزافزون فرهنگها به یکدیگر می‌گوید و می‌پذیرد که به مرور زمان عناصر فرهنگ بندری کمرنگ می‌شود: «برای انتخاب همسر برای دخترم تعصب روی بندری یا سرحدی ندارم در بیست سال آینده چون فکر می‌کنم پسر بندری با غیر بندری

ویژگی فرهنگی خیلی متفاوتی ندارند و بهم دیگه نزدیکتر میشن پوشش عملاً کنار گذاشتیم که این داره تسری پیدا کرده و اثر جامعه هست» فریبرز ۴۸ ساله درباره نپوشیدن لباس محلی در اماکن عمومی چون بازار می‌گوید: «الان دیگه کسی تو بازار یا خیابان دیگه لباس بندری نمی‌پوشه، لباس بندری مرسوم بودن در مراسم عروسیا و مهمانی‌ها، همه جا نمی‌پوشن».

۵.۵ برساخت هویت نسل ۱۸-۳۰ ساله: هویت‌های دوگانه و نامنسجم

هویت فرهنگی با فرض تغییرپذیری عناصر و ارزشهای فرهنگی در نظر گرفته می‌شود و تفاوت در استفاده از این عناصر و داشتن تجربیاتی متفاوت و یا مشترک با نسل‌های قبل، تمایزگذاری بین نسلی را ممکن می‌سازد.

جدول شماره ۴: عناصر هویت‌یابی بومی گروه سنی ۱۸-۳۰ سال

عناصر	مفاهیم	مقولات عمده	مقوله هسته
هویت‌های دوگانه و نامنسجم	محیط	بکار بردن المانهای بومی در معماری؛ تاثیر محیط بر بومی بودن؛ وجود دریا	برساخت هویت فرهنگی بر اساس عناصر بومی سرزمینی
	غذا	خوردن غذاهای محلی در خانه؛ خوردن غذاهای بندری در رستوران؛ علاقه به غذاهای بندری	
	رسوم و باورها	برگزاری آیینهای سنتی در مراسم عروسی؛ مراسم عزاداری به سبک بندری؛ حفظ داستانهای قدیمی	
	زبان	بندر حرف زدن در جمع دوستان؛ بندری حرف زن توسط غیربومی؛ الزام خانواده	
	موسیقی	گوش دادن به موسیقی سنتی بندر؛ آشنایی دیگران با موسیقی بندر؛ موسیقی نشانه بندری بودن	
	ارتباطات	سادگی؛ خونگرمی؛ صداقت	
	خانواده	پدر و مادر بومی داشتن؛ ترجیح به ازدواج با فرد بومی	
	پوش	پوشیدن لباس بندری توسط غیربومیها؛ زیبایی لباس بندری؛ پوشیدن بخشی از لباس بندری؛ استفاده از طلاهای بندری	
موانع هویت‌یابی	فارسی صحبت شدن در خانواده؛ نیاز به فارسی حرف زدن در جامعه؛ مسخره شدن توسط دیگران؛ پایین بودن اعتماد به نفس بندریها؛ مرسوم نبودن پوشش بندری در مکانهای رسمی	عناصر بومی	برساخت هویت فرهنگی در تقابل با

	وجود تکنولوژی؛ راحت نبودن لباس بندری؛ حضور غیربومیها	
--	--	--

هویت فرهنگی در گروه نسلی ۱۸-۳۰ ساله به عناصر بومی-سرزمینی گره خورده است اما در عین حال هویتی منسجم و یکپارچه نیست. این گروه نسلی نسبت به مصرف عناصر فرهنگی به شکل کاملاً سنتی آن مقاومت می‌کند و سعی در تغییر آن بر اساس انتخاب و علائق شخصی خود دارد.

مصاحبه‌شوندگان ۱۸-۳۰ ساله در جریان دگرگونی هویتی‌شان، راه‌های تداوم ارتباط با فرهنگ جامعه خودشان را در عناصر ثابت و پایداری چون اقلیم بندری باز یافته‌اند، اما آنها می‌خواهند بازخوانی تازه‌ای از معنای اقلیم و جغرافیایشان داشته باشند.

محمد ۲۸ ساله فوق‌لیسانس معماری، در خصوص ارتباط فرهنگ با محیط می‌گوید: «یکی از کارهایی که انجام دادم طراحی مسجد صاحب‌الزمان ایسین با معماری بومی اقلیمی، تمام عناصر اقلیمی و المانهای بومی در نظر گرفتم تمام عناصرش با دلیل و منطق برای روستا، چون بافت روستا به هارمونی خاص خودش داره متمایز با بافت شهری». پریا ۲۰ ساله درباره هویت بومی‌اش می‌گوید: «اولین اساس بندری بودنم اینه که کنار دریایم». غذا به عنوان یکی از عناصر هویت فرهنگی این نسل، متأثر از عناصر سرزمینی است که در آن زندگی می‌کنند چرا که غذاهای بندری از موادی که در محیط بومی آنجاست، تهیه می‌شود.

محمد ۲۸ ساله در مورد اهمیت استفاده از غذاهای بومی می‌گوید: «من غذای بندری هواری ماهی و میگو با تم بندری قدیمی می‌خورم، البته با سبک جدیدش هم مشکلی ندارم».

افراد گروه نسلی ۱۸-۳۰ ساله می‌خواهند سنتها را در برخی از لایه‌های زندگی تجربه کنند و بهترین حالت بکار بستن آن را در مراسمها و آیینها می‌بینند، اما دلیل اجرای سنتها علاقه فردی‌شان، و تجربه‌ی متفاوتی است که کسب می‌کنند نه صرفاً حفظ سنت و آیینها.

الهام ۲۲ ساله در خصوص علاقه‌اش به چگونگی برگزار شدن مراسمش می‌گوید: «حنابندان با همان رسم قدیمی ساخت و لوطی انجام بشه در جشن ازدوایم». امیر ۲۶ ساله درباره چرایی حضورش در مراسمهای سنتی می‌گوید: «در سینه‌زنی بندری واحد میگیرن به

شور و شوقی داره همینکه می‌بینی دوستان جمع شدن و انجام میدن، جدا از رسم و رسوم لطافت، صمیمیت و مهربونی و حس آرامشی بهت میده».

نسل ۱۸-۳۰ ساله با درکی از تحولات اجتماعی، زبان را بکار می‌برند و در آنجایی که گویش بندری نمی‌تواند انتقال دهنده‌ی خوبی باشد، زبان فارسی را بکار می‌بندند و در بقیه موارد با توجه به جو رایجی که در شهر برای بومی صحبت کردن هست، با گویش بومیشان حرف می‌زنند. پریا ۲۰ ساله می‌گوید: «شاید یه جایی احساس بکنی با بندری حرف زدن نزدیکتر به اون گروه میشی». امیر ۲۶ ساله در عین حال که یادگیری زبان فارسی را لازم می‌داند اما به یادگیری بندری در خانواده تاکید دارد: «بندری حرف می‌زنم. باید خانواده‌ها خودشون به بچه‌هاشون یاد بدن بندری حرف بزنی در کنار فارسی استاندارد تهرانی همزمان بندری حرف بزنی که بچه راحت بتونه صحبت کنه».

پوشش بندری برای نسل ۱۸-۳۰ سال محدود به جغرافیای بندر است. وجود این دو سبک پوشش رسمی و محلی باعث شده نسل ۱۸-۳۰ ساله نسبت به هویت محلی خود آگاهانه‌تر برخورد کنند، تا حد زیادی چگونگی استفاده از لباس بندری را شخصی‌سازی کند. در عین حال علاقه و استفاده عناصر فرهنگ بندری توسط غیربومیها برای گروه نسلی ۱۸-۳۰ ساله با اهمیت است.

الهام ۲۲ ساله پوشیدن لباس بندری را بنخاطر زیبایی و متفاوت جلوه کردن آن می‌داند و می‌گوید: «ترجیح می‌دم در جمع غیر بندری لباس محلی بپوشم تا زیباتر جلوه کنه چون براشون جذابه». معصومه ۳۰ ساله در خصوص چگونگی پوشش‌اش می‌گوید: «از المانهای بندری استفاده می‌کنم مثلاً جلویل با مانتو شلوار استفاده می‌کنم یا شلوار بندری به شکلی که تغییر بدم که ترکیبی باشه».

مصرف موسیقی در نزد گروه نسلی ۱۸-۳۰ ساله بخشی از زندگی روزمره آنهاست؛ آنها در کنار سایر انواع موسیقی، موسیقی سنتی بندر را نیز گوش می‌دهند.

معصومه ۳۰ ساله در مورد موسیقی بندری مورد علاقه‌اش می‌گوید: «موسیقی هم زیاد گوش میدم، موسیقی بندری تلفیقی و فولکلور بندری و لالایی بندری خیلی دوست دارم و اون سوز و حس و حال اون هنوز برام جذابه» و درباره معرفی موسیقی بندر می‌گوید: «دوست دارم برای دوستای غیر بندری هم بفرستم که بدونن و آشنا بشن». مهرداد ۲۳ ساله

درباره مصرف موسیقی به عنوان هویت فرهنگی می‌گوید: «موسیقی اصیل بندری گوش کنی و صحبت کنی بیشتر میشه نشون داد بندریه»

همچنین گروه نسلی ۱۸-۳۰ ساله نیز خصلتهایی چون سادگی، خونگرمی و صداقت مردم این سرزمین را گواهی از فرهنگ بندری می‌دانند، و به آن افتخار می‌کنند. تجربه‌ی گروه نسلی ۱۸-۳۰ ساله به آنها نشان داده است که این صفات خاص مردمان جنوب است و در جغرافیای دیگر به این پررنگی دیده نمی‌شود.

امیر ۲۶ ساله درباره ویژگیهای مردمان بندری می‌گوید: «جنوبیا خیلی صادقانه‌تر، خاکی و باصداقت، راحت هستیم و معرفتی که در رفتار در محل کار بین همشهری‌های خودمون دیدم، رفتار و منش و معرفتی که سالها دیدم باعث شده بیشتر خودم را بندری بدونم و به خودم افتخار کنم». امین ۲۱ ساله بندری بودن را به منش می‌داند و می‌گوید: «حتی اگر خارج از کشور بریم ممکنه فارسی صحبت کنیم یا غذای غیر بندری بخوریم اما باز خودمون را بندری می‌دونیم به خاطر منش و اخلاق».

۶.۵ موانع: برساخت هویت فرهنگی در تقابل با عناصر بومی

برای این نسل مصرف عناصر فرهنگی بومی بستگی به موقعیتهای زمانی و مکانی دارد که افراد در آن قرار می‌گیرند. با ورود عناصری مانند زبان فارسی یا پوشش غیربومی، فضای جامعه و ارزشهای افراد تغییر کرده است، کسانی که صرفاً عناصر بومی را مصرف می‌کنند مود تمسخر همسالانشان واقع می‌شوند. گروه نسلی ۱۸-۳۰ ساله از وجود جو خودباختگی‌ای که موجب شده عناصر فرهنگیشان کمتر استفاده شود ناراحت بوده و این جو را مانعی در استفاده از عناصر فرهنگی بیان کردند.

امین ۲۱ ساله به تغییر فضای اجتماع و مرسوم نبودن پوشش بندری در همه جا اشاره دارد و می‌گوید: «جامعه خیلی نمی‌پذیره بندری حرف بزنینم یا بندری بیوشیم در جای رسمی با لباس بندری میره همه نگاهش می‌کنن، از نظر من چیز بدی نیست یه لباس محلی، یه گویش محلی. در شهر درصد بیشتری غیر بندری هستن دیگه الان جامعه نمی‌پذیره». پریا ۲۰ ساله ترجیحش به استفاده از پوشش بندری در جمع بندریها است: «مهمانی‌های دوستانم و جوانان غیربندری ترجیح می‌دم غیر بندری بیوشم لباس بندری لباس سنگینی، احساس بی‌کلاسی».

۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش مطالعه‌ی برساخت هویت بومی شهروندان بندرعباس در بستر نسلها بود. عناصر فرهنگی مشترک هویت‌ساز برای مردم بندرعباس، محیط، غذا، رسوم و باورها، زبان، پوشش، موسیقی، خانواده و دوستان بود که در سه نسل متوالی بررسی شد.

هویت بندری افراد ۵۰ ساله و بالاتر در مواجهه عناصر بومی با عناصر غیربومی برساخت می‌شود. این نسل نوعی خاص‌گرایی فرهنگی را مبنای برساخت هویتی خود قرار داده است. این شیوه‌ی برساخت هویتی به نوعی ذات‌باور است و لذا خصالت‌هایی را چه برای گروه خودی و چه برای گروه غیرخودی، ذاتی تلقی می‌کند و همین ادراک، منجر به سرسختی و ستیزه‌جویی در مواجهه با سایر گروه‌های فرهنگی و قومی خواهد شد.

نسل ۳۱-۵۰ ساله، موضع میانه‌روتری اتخاذ کرده و اگرچه عناصر فرهنگ بومی را مصرف می‌کند و می‌کوشد فرهنگ بندری را معرفی کند اما در برابر سایر فرهنگها موضع‌گیری ندارد، و در ابعادی که حساسیت برانگیز نیست مانند غذا، و دکور، عناصری فرهنگی جدید را نیز مورد استفاده قرار می‌دهند.

در نسل ۱۸-۳۰ ساله عناصر فرهنگ بندری در جغرافیای بندر استفاده می‌شود. برساخت هویت بومی برای این نسل بر اساس عناصر سرزمینی است. عناصر فرهنگی در این نسل با انتخاب شخصی و اعمال تغییرات مورد نظر در آن، در کنار عناصر غیربومی استفاده می‌شود. عناصر غیربومی توسط این نسل بیشتر از دو نسل قبلی مورد استفاده است، بنابراین علاوه بر عناصر سرزمین که هویت بومی این نسل را شکل می‌دهد، عناصر فرهنگی غیربومی نیز نقش پررنگی در هویت‌یابی این نسل دارد، و به شکل‌گیری هویتی دوگانه و نامنسجم در این نسل می‌انجامد. پژوهش باقری و همکاران (۱۳۹۱) درباره تاثیر جهانی شدن بر هویت قومی نیز مؤید آنست که جوانان بر پایه‌های لِرزان هویت‌های سیال عصر مدرن، هویتی دوگانه و نامنسجم را در نسل ۱۸-۳۰ ساله دارند که یکپارچگی هویت‌های نسل قبل را نداشته در کنار مصرف عناصر مدرن، هویت قومی این نسل به گونه‌ای نامسجم‌تر و سیال‌تر از نسل‌های پیش است. از سوی دیگر بستر اجتماعی ۱۸-۳۰ ساله‌ها بر هویت‌یابی فرهنگی آنها را متمایز از دو نسل قبل کرده است.

نکته‌ی حائز اهمیت دیگر درباره‌ی برساخت هویت بومی در نسل بالای ۵۰ سال این است که در مقابل مصرف عناصر فرهنگهای دیگر مقاومت نشان داده و سعی در مصرف

عناصر فرهنگ بومی خودش دارد و از این حیث از هویت منسجم‌تری برخوردار است. از سوی دیگر نسل ۳۱-۵۰ ساله اگرچه مقاومتی مانند نسل قبل از خودش ندارد اما عناصر فرهنگی جدید را با عناصر بومی ادغام می‌کند و همچنان هویت فرهنگی‌اش را مبتنی بر مصرف عناصر بومی تعریف می‌کند. نسل ۱۸-۳۰ ساله اما در شیوه‌ی مواجهه‌ی هویتی خود با فرهنگ غیربومی مقاومتی ندارد و مصرف‌کننده‌ی عناصر پراکنده‌ی سایر فرهنگ‌هاست و لذا هویت یکپارچه‌ای را تجربه نمی‌کند و از این روست که هویت‌یابی کاملاً متمایزی از نسل‌های پیشین دارد. اله‌دادی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی تاثیر سبک زندگی بر هویت قومی به نتایجی مشابه دست یافته‌اند و دریافته‌اند که سبک زندگی مدرن بر هویت قومی تاثیر منفی می‌گذارد. طبق یافته‌های آنها سبک زندگی مدرن در نسل‌های مختلف بر هویت بومی اثر گذاشته است و هر چه افراد بیشتر در معرض و مصرف کنندگان عناصر سبک زندگی مدرن بوده‌اند، هویت بومی آنها متفاوت از نسل‌های قبل برساخت شده است.

در مجموع هویت فرهنگی بندرعباس در ساخت خانوادگی و غیررسمی، حتی با وجود معنا و تعاریف ذهنی مختلفی که در هر نسل از آن می‌شود بومی است. نسل‌های مختلف با هم در تعاملند و با وجود تفاوتها با هم زندگی می‌کنند و همگی عناصر هویت فرهنگی بومی را در ساخت خانوادگی مصرف می‌کنند. در حوزه رسمی جامعه هویت فرهنگی به سوی هویتی غیربومی در حال حرکت است و در این عرصه برساخت هویت بومی در بستر نسلها متمایز شده است.

به نظر می‌رسد ورود عناصر فرهنگ ملی چون زبان فارسی و پوشش، کاربردی‌تر بوده و هزینه بالاتر تهیه و مصرف عناصر فرهنگ سنتی چون لباس، تغییر نگرش مردم نسبت به مصرف عناصر سنتی، تغییر فضای جامعه نسبت به استفاده از عناصر فرهنگ سنتی، و ورود و مصرف فرهنگ مدرن نیز از دیگر زمینه‌های تحول فرهنگ بومی بوده است. با ورود رسانه و دیگر ابزارهای ارتباطی، شناخت و ورود عناصر فرهنگی غیربومی تسریع شده است. آشنایی افراد با فرهنگهای دیگر، نگاه و احساسات آنها را به فرهنگ خودشان تغییر داده عناصر فرهنگ مدرن را نیز مصرف می‌کنند. مصرف این عناصر منجر به یکدست شدن شهرهای مختلف می‌شود. مصرف عناصر فرهنگی جدید در فرهنگ محلی، چالشهایی در ذهن افراد ایجاد می‌کند گرچه تعریف هویت فرهنگی در ذهن هر نسل متفاوت از دیگری است. پژوهش طالبی و علیزاده (۱۳۹۸) درباره فهم تجربه‌های تبعیض و نابرابری قومی،

احساس نابرابری را حول محور زبان می‌داند که گزاره‌ای نزدیک به این یافته را می‌توان درباره میدان مطالعه‌ی پژوهش حاضر نیز به کار برد.

در نسل بالای ۵۰ سال هویت بومی یکپارچه‌تر بود اما بیشتر تجربه‌ی جمعی هویت به آنها آگاهی بخشیده بود. افراد در پی معنای نمادها و نشانه‌ها نبودند چون آنها را در زندگی روزمره مصرف می‌کردند. آگاهی آنها نسبت به هویت فرهنگی جایی شکل می‌گیرد که در رویارویی با غیربومیها تفاوت‌های فرهنگی را می‌بینند. نسل ۳۱-۵۰ سال از طرفی هویت فرهنگی بومی را در ارتباط با نسل قبل تجربه و معنا می‌کنند از طرف دیگر هویت را در اجتماع و با مصرف عناصر غیربومی در کنار عناصر بومی تجربه کردند. آگاهی این نسل فراتر از خود، امکانی عملی برای نسل بعدی فراهم می‌آورند؛ نسل ۳۱-۵۰ سال نسبت به تغییرات فرهنگی هویت تا حدی آگاه شده سعی می‌کند تا آگاهانه نسل بعد را نسبت به تغییرات آگاه و آماده رویارویی کند. نسل ۱۸-۳۰ ساله با وجودی که عناصر فرهنگی جدید را در کنار عناصر فرهنگ بومی در خانواده تا حدی تجربه می‌کند که تجربه‌ای جمعی از مصرف عناصر محدود به بعد خانوادگی است. سطح دیگر تجربه آنها از هویت، جامعه است این سطح آگاهانه‌تر اما منوط به انتخاب فردی است. حاصل آگاهی و انتخاب این نسل، استفاده از عناصر هویتی بومی است. بنابراین با وجود تغییرات اجتماعی هرچه نسلها نسبت به هویت خود آگاهی بیشتری دارند، عناصر فرهنگی بومی را بیشتر مورد استفاده قرار می‌دهند.

کتابنامه

آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌شناسی مناسبات بین نسلی، چاپ اول، تهران: علم.

احمدی، حمید. (۱۳۸۳). قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت، تهران: نی.

اوزکریملی، اوموت. (۱۳۸۳). نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: تمدن ایرانی.

الله‌دادی، نورالدین؛ زاهدی، محمدجواد؛ نایی، هوشنگ؛ صداقت زادگان شهناز. (۱۳۹۴). "تاثیر سبک زندگی بر هویت قومی مطالعه نمونه ای در استان لرستان"، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۳، صفحه ۹۱-۶۵.

برساخت هویت فرهنگی- بومی در بستر ... (آزیتا پورطرق و دیگران) ۲۵

باقری، معصومه؛ حسین زاده، علی حسین؛ هاشمی، ندا. (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر جهانی شدن بر هویت قومی"، توسعه اجتماعی، س هفتم، ش اول، صص ۸۹-۱۰۸.
برگر، پیتر؛ لاکمن. (۱۳۸۷). ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی.

حاجیان، ابراهیم؛ ایروانی، زهرا؛ آرمین، امیر. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی هویت قومی در ایران و لبنان، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، ش ۲، صفحه ۱-۱۵.

رستگار، یاسر؛ هادی، سیما (۱۳۹۹). هویت بومی در برابر هویت غیربومی؛ پژوهشی کیفی درباره ناسازگاری های هویتی در شهر بندرعباس، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۲۷، ش ۹۰، صص ۳۳-۶۰.

سفیری، خدیجه؛ شهرزاد، زهرا (۱۳۹۵) تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده در برنامه اتاق جوک. مجله مطالعات فرهنگ-ارتباطات. سال هفدهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۵، صص ۸۱-۱۰۸.

شفرز، برنارد. (۱۳۸۳). مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران: نی.
طالبی، ابوتراب؛ علیزاده، سجاد. (۱۳۹۸). "فهم تجربه‌های تبعیض و نابرابری قومی در دانشگاه‌های ایران: مطالعه موردی ترک‌ها و کردها"، علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، س ۲۶، ش ۸۷، صص ۵۹-۹۱.

عیوضی، یاور؛ سیف‌اللهی، سیف‌الله؛ ساروخانی، باقر. (۱۳۹۷). مروری بر مطالعات قومی در ایران: نقد، بررسی و ارائه الگو، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، ش ۴۲، صفحه ۱-۳۶.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۶) روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تاکید بر نظریه برپایه (گراند تئوری). چاپ چهارم، تهران: نشر آگاه

فرزانه، سیف‌الله؛ چراتی، عیسی. (۱۳۹۰). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تفاوت ارزشی؛ مطالعه موردی والدین و جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله شهر ساری"، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، س دوم، ش دوم، صص ۱۴۰-۱۱۹.

فیض‌اللهی، علی (۱۴۰۰) رابطه‌ی احساس تعلق به شهر و مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال یازدهم، شماره ۴۰، پاییز ۱۴۰۰، صص ۹۵-۱۲۳.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۳) جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشرنی.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضدروش ۲. تهران: جامعه‌شناسان.- نادری، احمد؛ روستاخیر، بهروز؛ فیاض، ابراهیم؛ حسین‌یر، محمدعثمان. (۱۳۹۷). تأملی در آرایش نیروهای اجتماعی و تحول گفتمان‌های هویت قومی در بلوچستان ایران، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، ش ۴۳، صفحه ۶۹-۱۰۲.

مشکینی، ابوالفضل؛ قاسمی، اکرم؛ حمزه‌نژاد؛ مهدی (۱۳۹۳) ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد). فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۳، صص ۴۱-۵۶.

معروفی، سکینه؛ انصاری، مجتبی (۱۳۹۳) ارزیابی تاثیر عناصر منظر شهری بر میزان احساس تعلق محلی (مطالعه موردی: محله نارمک تهران). هویت شهر، شماره ۱۸، سال هشتم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۳۹-۴۶.

- Benton, Gregor & Gomez, Edmund Terence. (2014). "Belonging to the nation: generational change, identity and the Chinese diaspora", *Ethnic and Racial Studies*, 37(7), 1157-1171.
- Constantin, Valérie Sandra. (2013). "The post-80s generation in Beijing: collective memory and generational identity", *International Journal of Area Studies*, 8(1), 5-36.
- Dimitrova, Radosveta; Bender, Michael; Chasiotis, Athanasios; van de Vijver J. R. Fons. (2013). "Ethnic identity and acculturation of Turkish-Bulgarian adolescents", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 37, 1-10.
- Elter, J (1999). *From Culture to Ethnicity to Conflict*, Michigan: The University Press of Michigan.
- Epstein, S. Gil & Heizler, Cohen Odelia. (2015). "Ethnic identity: a theoretical framework", *IZA Journal of Migration*, 4(9), 1-11.
- Gibson, William and Brown, Andrew (2009) *Working with Qualitative Data*, Sage Publications.
- Heelsum, van Anja & Koomen, Maarten. (2016). "Ascription and identity. Differences between first- and second-generation Moroccans in the way ascription influences religious, national and ethnic group identification", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 42(2), 277-291.
- Holt, F. Lanier; Hovick, R. Shelly; Fete, M. Emma & Dailey, M. Phokeng. (2017). "Taking a Closer Look at the Factors That Influence Ethnic Identity", *Communication Studies*, 68(2), 227-241.
- Korostelina, Karina. (2014). "Intergroup Identity Insults: A Social Identity Theory Perspective", *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 14(3), 214-229.
- Lake, D and Rothchild, D. (1998) *Spreading Fear*, in D, Lake and D, Rothchild (eds) *the International Spread of Ethnic Conflict*, Princeton: Princeton University Press.
- Leve, Lauren. (2012). "Identity" *Current Anthropology*, 52(4), 513-535.
- Murchison, Julian (2010) *Ethnography Essentials*, San Francisco: Jossey-Bass.
- Senggirbay, M. (2019). Ethnic Identity of Kazakhstani Russians: The Dynamics of Change and the Place of Russia as a Kin State. *Journal of Nationalism, Memory & Language Politics*, 13(1), 67-89.

- Scott, Jacqueline & Shoman, Howard (1995) Generation and Collective memories; American Sociological Review; v.54.
- Tajfel, Henri. (1982). "SOCIAL PSYCHOLOGY OF INTERGROUP RELATIONS", Ann. Re. Psycho, Vol. 33, 1-39.
- Tomlinson, J (1999). Globalized Culture: the Triumph of the West? in Skelton and Allen (eds) Culture and Global Change, London: Routledge.
- Umana-Taylor, J. Adriana; Lee, M. Richard; Rivas-Drake, Deborah & et al. (2014). "Ethnic and Racial Identity During Adolescence and In to Young Adulthood: An Integrated Conceptualization" Child Development, 85(1), 21-39.
- Waechter, Natalia. (2015). "Formation of European identity: ethnic minority groups in Central and Eastern Europe in generational perspective", Identities, 1-19.
- Waechter, Natalia & Samoilova, Evgenia. (2014). "European Identity and its Relationship to National and Ethnic Identities among Younger and Older Members of Ethnic Minority Groups", Slovak Journal of Political Sciences, 14(2), 99-121.

